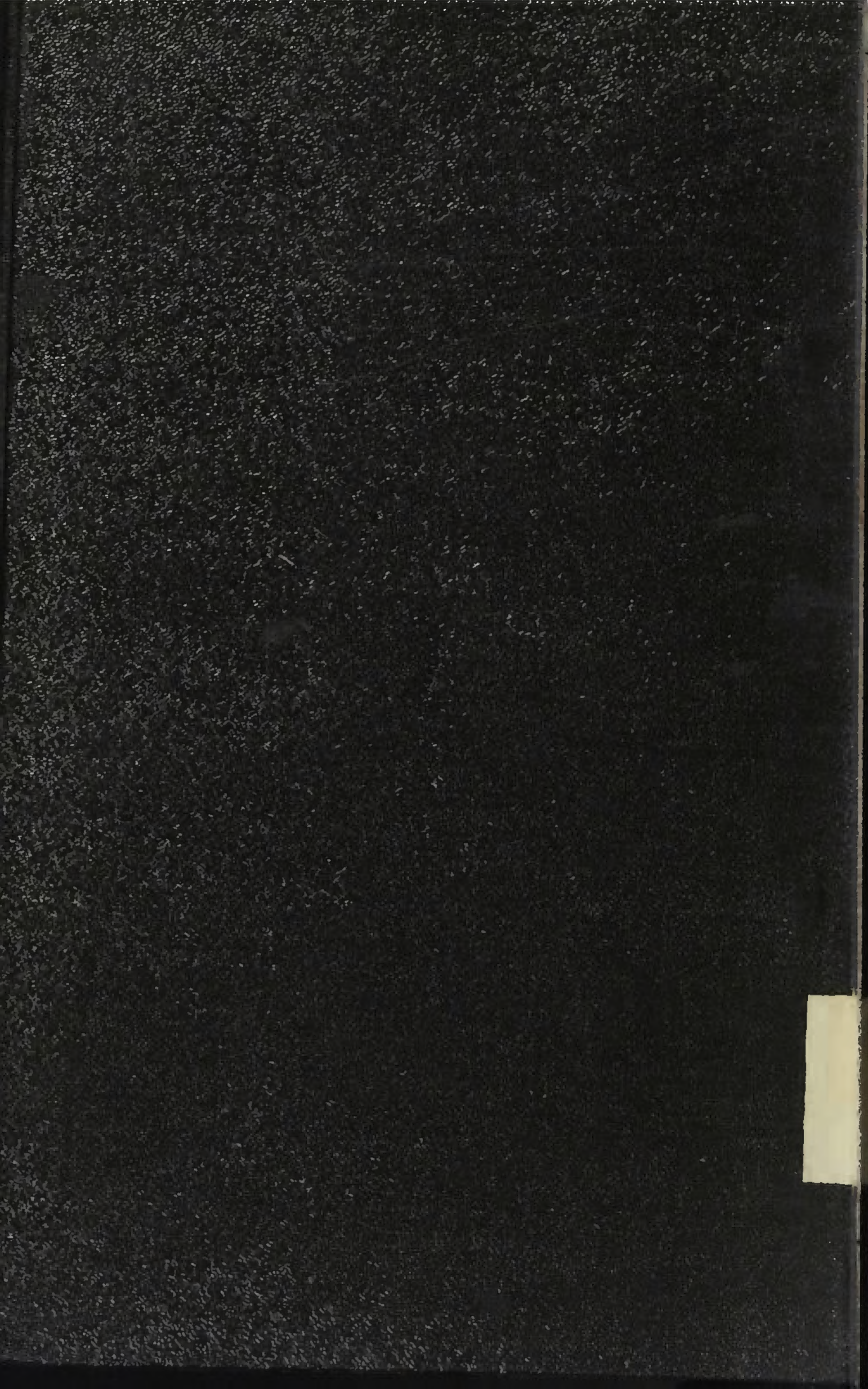
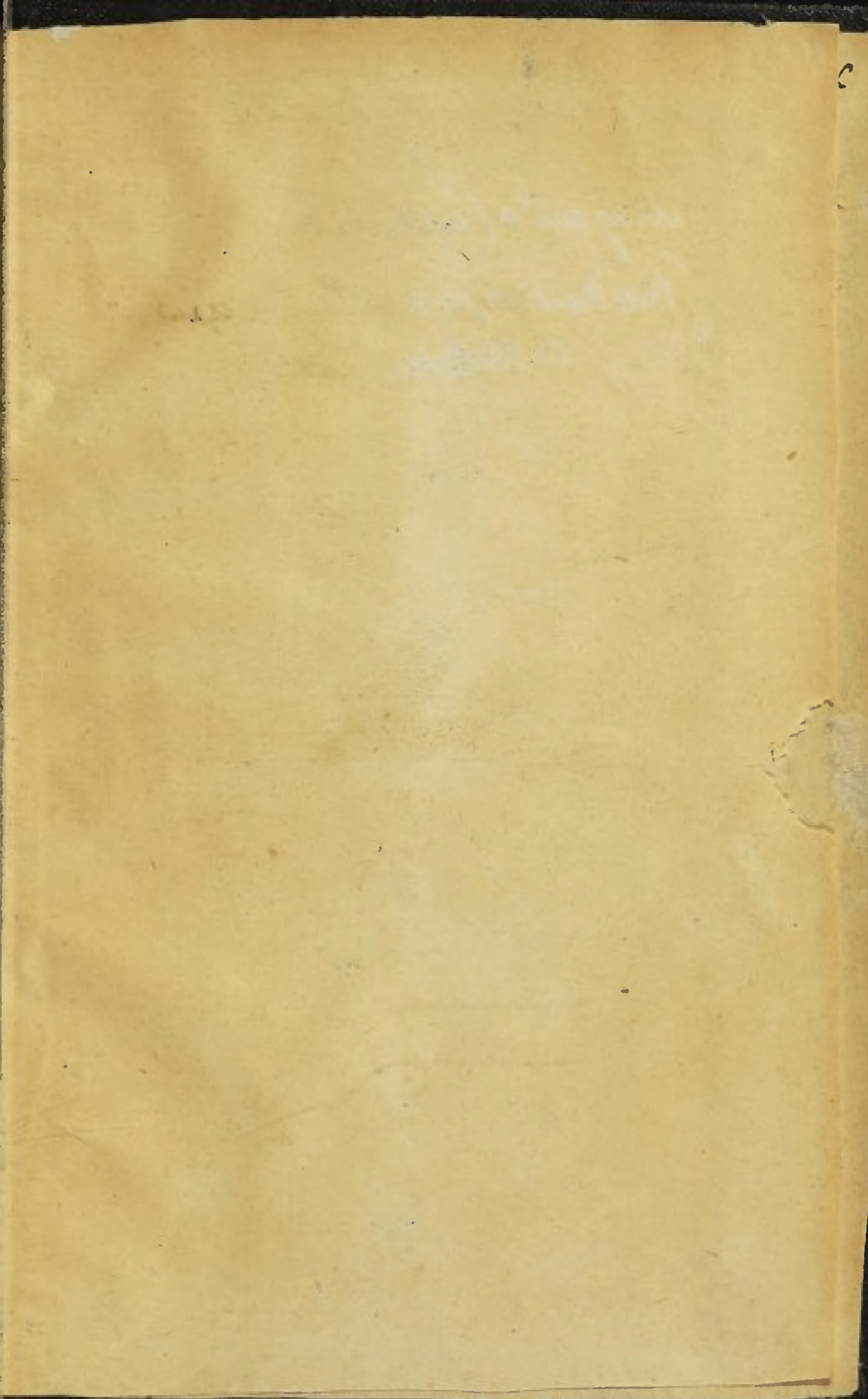


127

Majmūʿa (collection).
(two treatises, on mathematics and on cabbalistic matters)



بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله مرتب الاحکام والاثار علی الاشکال ووجوه عالیها فادرس علی اظهار العجائب والغرائب بالکرم والافضال والصلواة علی محمد المخمس

سورة النفوس باکرام الاقیام ودوار التثلیث والتربیع فی اعداد الارکان بحکمة الحکمة مخفیة عن الانظار وعلی اله وصحبه المروجین

ارکان الدین بین الخواص والعوام علی ابلغ وجه یتستر بعلم الکلام فی المسدس من اطراف الی یوم القیام اما بعد فهذه عجالة فی

علم التکسیر سمیتها بستر عار بعض احدنا وسمیتها تجربة التکسیر اطلعت فیها علی عجائب وغرائب هذا العلم ومحرمانه فالرجا

من الناظرین ان یتجاوزوا عن الانحراف والخروج عن التعسف ولا عتاب [illegible] فیق الا بالله وهو حسبی ونعم الوکیل والحکم

طریق پر کردن شکل آنست که هر عددی را اگر خواهند در شکل نویسند مقداری که اعداد از آن طرح میکنند بار بر خانهای یک سطر قسمت کنند

خارج قسمت را در خانه اول نویسند و یک بر آن زیاده کنند و در خانه دوم نویسند همچنین تا آخر اید یکیک عدد در هر

شکل زیاده کند و اگر باقی را که بر خانهای قسمت میکنند منقسم نباشد بل کسر افتد عوض کسر یکی در خانه کسر افزایند که هر قدر که باشد

پس لابد است از معرفت خانه کسر و اعداد عدل و اعداد وفق طبعی و اعداد مطروحه ضابطه عدد عدل آنکه خانهای

یک سطر را در ذات خود ضرب کنند بر حاصل یکی افزایند حاصل عدد عدل است اگر نصف خانهای یک سطر را در عدد عدل ضرب کنند

حاصل وفق طبعی شود اگر خانهای یک سطر را در ذات ضرب کنند و از حاصل یکی کم کنند و در باقی نصف خانهای یک سطر

ضرب کنند حاصل اعداد مطروحه شود مثلا در مثلث سه را در سه ضرب کنند بر حاصل که نه است یکی افزودیم حاصل

ده است که عدد عدل مثلث را چون نصف سه که یک و نیم است در عدد عدل ضرب کردیم حاصل پانزده است

وفق طبعی مثلث را چون از نه یکی کم کردیم و در باقی که هشت است یک و نیم ضرب کردیم حاصل دوازده است اعداد

مطروحه مثلث را ضابطه معرفت خانه کسر آنکه مقدار کسر را در خانهای یک سطر ضرب کنند و یکی را در خانهای یک سطر کم کنند

ضرب کنند بر حاصل ضرب یکی افزایند حاصل خانه کسر شود مثلا در مربع بیست یک کسر افتاد سه را در چهار که عدد خانهای

تمام کردیم تا اینکه بعد دو بیست درچهار ضرب کردیم و حاصل را از دوم حاصل که نحو بیست تا این گشت و اگر در مربع دو دیگر باشد از چهارم سه کردیم

پنج را که دو باشد در چهار ضرب کرد و حاصل که نحو بیست از دوم حاصل که نهم خانه کبیر گشت و بعد ازین القاس و مثلث با عمر

نتوان نوشت و در عمل اشکال اقل اعداد در خانه اول نوشت و اکثر اعداد در خانه آخر اگر اکثر اعداد را باشد حاصل

عدد عمل گشت و برای هر یک از سطور اعداد وفق طبعی گشت و خانه اول هر یک از اشکال مختلف باشد اکنون خانه

اشکال عدد را نوشت اگر خواهند که مثلث را پر کنند خانه اول از حساب کنار کل اعداد اسمی یا آیتی یا دعای که اراده کرده

ابن در مثلث دارند دوازده طرح کند باقی را سه حصه باید کرد سیوم حصه بر کردن اغاز کرده بهتر اید همگنان

رسانند پس اگر سه حصه کامل خواهند مثلث از چهار طرف درست خواهد آمد چنانچه اسم خدا که بحساب ابجد

پانزده عدد دارد چون خواهیم که آن عدد را در مثلث نویسیم بحکم قانون مذکور دوازده عدد را طرح کردیم باقی

سه را بر سه قسمت کردیم خارج که یک بیست بخانه اول نوشتیم و بهتر آید یک وجهی که ازین معرفه فهمیده میشود

شکل تمام کردیم و اگر اعداد را که نه باشد در خانه نهم نوشتیم بدین طریق

٢	٧	٦
٩	٥	١
٤	٣	٨

وجمله همراه از ازاعداد مکرر نبود

از سطر طولی و عرضی و قطری گرفتیم سعد بود و اعداد وفق طبعی صحیح

معلوم شد که عمل صحیح است و معرفه رفتار ازین بیت ۵ اسب و دا ب رخ دو فرزین رخ و ا ب دا ب کبر

وازین بیت نیز مثلث و لی ۵ دو ا ب و رخ دو فرزین با رخ کبر دو ا ب آخر مثلث را تصویر بیان

و اگر عدد دیگر که مثلث درست آن منحرف باشد سه حصه نصف از چهار طرف درست نخواهد آمد مگر از اطراف آن کمی یا

زیادتی خواهد شد پس اگر دو عدد کمتر آید در خانه چهارم یکی زیاده کنند چنانکه مثلث بدوح که بیست عدد دارد

چون از بیست عدد دوازده طرح کردیم هشت باقی ماند از هشت سه حصه دو دو آید و دو کمتر ماند از دو حصه چهارم دادیم

و شکل را تمام کردیم بدین طریق که اکثر کامل این فن بود گفته که بعضی فرمان میگویند که بلند نفس اسم بدوح برروی صحیفه

حضرت غوث الله اعظم رضی الله عنه از هر چهار طرف بلند کند در بیست آید

١٠	٢	٨
٤	٧	٩
٦	١١	٣

بالانصاف کاتب ابجد و عدد بعدا درست و حد باز از انجا آمده اندو علم همه حضرت

عبد القادر

عبدالفتاح هم براه خنگ رفته تو دیده و ادعای آن از سید کهگفته مخفی ملا اسیر روضهٔ آنحضرت نقل از مذکور اصلاً مکتوب نیست

گفتم که عامل کامل است از عمل خالی نیست که در یک نظر بیند دیگر میشود برای تسخیر و دعوت غیب و

فتوحات و دفع شیاطین و ارواح نظیر ندارد اگر طرز زکاه و بدون زکوه از اذن مطلق برای تسخیر ارواح اثر

می بخشد و آن شکل بدوح که بطور دیگر به حضرت سیعطی یعقوب خلیفه حضرت غوث هم فرموده اند از اسما

می خواهند دانستی مکرر دید نقره بیند در برابر دهن دنیا روده نفع می بخشد و اگر طلب عددی کسر آید در ا

از مثلث بگیرد و مفرد بید چنانکه عدد مطلق را در مثلث بر گردید چون دوازده از آن

طرح نمودیم باید باقی بماند بعد از آن از اول سه حصه ختم حصه سیوم سه آید بعد دیگر باید

اثر او در خانه هفتم دال که شکل را تمام کردیم مثل طرز

۱۷	۹	۱۴
۱۱	۱۳	۱۶
۱۲	۱۸	۱۰

و طریق خاص پر کردن مثلث که از اعمال مخفی باید دانستنی ست که برای

استعداد و تسخیر و افزون روزی می شود آنست که از کل عدد اسمی که برای مطلب مذکور آن

مقرر است سه و شش طرح کنند باقی را سه حصه باید یک حصه در خانه اول نهند و بر خانه سه عدد

اضافه نموده تمام کنند مثلاً اسم اعظم باسط که هفتاد و دو عدد دارد سی و شش را از آن طرح کردیم

باقی سی و شش از او سه حصه کنیم حصه سیوم دوازده اند اثر او در خانه اول بها ده سه سه اضافه کرده باشد

بنا نهادیم بدین وضع و برای توفیق و تقرب مثلث اسم مقتدر مطابق بنویسند اگر بدین نوع وضع که هست

۱۵	۳۰	۲۷
۳۶	۲۴	۱۲
۲۱	۱۸	۳۳

و اگر خواهد که مثلث دوبار پر کند کل اعداد اسم دوازده حصه

دوازدهم حصه سر دیگر کنند و در هر خانه یک حصه اضافه نموده تمام سازد

۲۵۱	۲۳۶	۲۵۷
۲۵۴	۲۴۸	۲۴۲
۲۳۶	۲۶۰	۲۴۵

از هر حرف در مثلث بنویسند چنانکه اسم مذکور که هفتاد و دو عدد دارد دوازده بحش آید دوازدهم حصه شش آید

١٨	٤٨٠	٦
١٢	٢٤	٣٦
٤٢		٣٠

از شش شروع نموده در هر خانه شش اضافه کند تا تمام رسانیدم بدین صورت
موکل اسم باسط جبرائیل است برای دست غیب و کشایش رزق [illegible] است
بشرطی که در کوه مرتفع بنشیند و در برم بدون روز استاد و بخواند وقت نقش بر کردن
هر مقصدی که باشد میخواند هفتاد و دو مرتبه یا باسط بخواند نقش عجائب می‌شود درو و همه می آید و سوای آن
در جای که قرب ملک و خدمت ارکان [illegible] بر کشند که قرب سلطان جمع جنت درگاه سال مثلث نوشتن
آن ملک الله و [illegible] توضیح میگویند هر روز هفتاد نقش بر کند تا هفتاد دو روز عامل گردد اول
صحیح است [illegible] اگر خواهد که رباعی بر کشد باید که از کل اعداد اسم یا آیت یا دعا سی
طرح کند [illegible] چهار حصه کند از چهار حصه بر کردن شروع نماید بتر آید یکیک تا تمام رسانیده بدین صورت
یا اسم صمد ١٣٤

٣٣	٣٦	٣٩	٢٦
٣٨	٢٧	٣٢	٣٧
٢٨	٤١	٣٤	٣١
٣٥	٣٠	٢٩	٤٠

و اگر چهار حصه پوره نشود بعضی و الا یکسر درست خوانم آید برطرح
پس اگر یک عدد کم آید در خانه سیزدهم یکی بیفزاید و اگر دو عدد
کسر آید در خانه نهم یکی اضافه نماید و اگر سه عدد کسر
آید در خانه پنجم یکی زیاده کند مثلا عدد ١٣٤ بعد طرح ٣٠
باقی ماند ١٠٤ و حصه چهارم از یک شروع [illegible] تا تمام رسانیدم بدین صورت

٨	١١	١٤	١
١٣	٢	٧	١٢
٣	١٦	٩	٦
١٠	٥	٤	١٥

و اگر یک کسر آید کسر در خانه سیزدهم [illegible] بدین صورت تمام کردم
و در اسم اعظم منعم که
عددش دو صد است حصه چهارم آن چهل و بعد طرح ٣٠
و ٢ کسر می‌آید یک کسر را در خانه نهم داده تمام کردم بدین وضع

١٠	١٣	١٧	٣
١٦	٤	٩	١٤
٥	١٩	١١	٨
١٣	٧	٦	١٧

دو را اسم مکرم فتاح که عدد آن چهارصد و هشتاد و نه است آخر حصه چهارم آن این بود

طرح شش یکصد و چهارده میشود و سه کسر می آید پس یک را در خانه سیزدهم نهاده

بدین طور تمام کردیم رفتار مربع از بیوت بعضی ...

۴۹	۵۳	۵۶	[illegible]
۵۵	۴۳	۴۸	[illegible]
۴۴	۵۸	۵۱	[illegible]
۵۲	۴۶	۴۵	[illegible]

۱۲۲	۱۲۵	۱۲۸	۱۱۴
۱۲۷	۱۱۵	۱۲۱	۱۲۶
۱۱۶	۱۲۰	۱۲۳	۱۲۰
۱۲۴	۱۱۹	۱۱۷	۱۲۹

و فرزین از اسب

و رخ باز از اسب فرزین

گفته اند که از این شکل طلب تعلق

به اصحاب دولت و بزرگان تعلق

لیت و طلب رزق

بعد از جیب و جمله هر خانه مثل بدین

نقطه ها رد دارد و شکل مثلث نحو

و بر حل آن بعضی دیگر و شکل مربع برای نقش های دفع علت و تسخیر محبت و حصول دولت

و تواتر فتوحات و دفع امراض و اختفا از نظر مردم اثر عجیب دارد مربع را از سیزده خانه پر میکنند در خانه

را خانه بیت جدا صاحب مفتاح الدعوت گوید برای صحت کسی که روز شنبه بیمار شده است ابتدا از خانه

هفتم باید و اگر روز یکشنبه بیمار شود از خانه اول آغاز کند و بر این قیاس تا خانه ششم پس اگر روز جمعه بیمار بود

برای صحت او از این خانه آغاز نماید و برای دوستی و تسخیر و غیره از خانه پنجم و نهم و یازدهم ابتدا کنند و برای اعداد

و دشمنی از خانه سیوم و ششم و دوازدهم آغاز نماید و برای خلاصی محبوس و فرزندهای حامله زن ... و امثال

آن از خانه یازدهم ابتدا کنند و برای غلبه در خصومت و خواندن خبر غایب و غیره از خانه هفتم

و هشتم آغاز کنند و بعضی خانه هفتم از برای تفریق و خراب کشور و غیره گویند و خانه نهم برای زیادتی مال

منال و دولت آورده و خانه پانزدهم برای ملاقات ارواح جان و موکلان که تعین برای ... است اما نهم

جمعه بر کند ... خود دارد تا موکلان در آمده حاضر شوند از خانه دوازدهم برای اصلاح ذو کسر و لو فیق

شان خانه چهاردهم را خاصیت گفته اند اگر کسی پاره را که آزموده است این شکل از ... که فی نقصه

گفته اند از حرج بیرون کرده که او برکت مشغول شو بعد از آن آمده سنبله اگر گفته بر مس کند اخته ایزار

زر زرد و صدف [illegible] ... الهم ان گفته اند که اگر حسن بر در جهل چهار ... که کرد و در بر نیامده بجد ... او ملک

بر جس ... خانه ... از ... آن ... طلا بس بخانه ای ... جهل و در جهل چهار ... بر کند ...

حجت بر ... نویس ... نوشته و ... بر ... حاضر ... لوح عزه فانه سیوم ... حاصل ... بست

... و چیزی ... خانه ... دو کسی ... مقصر ملقبه ... بر ... دو

از خانه ... بیست ... مثلث از چهار ... مکند ... را ... اعداد ... بر ...

برای فتوحات ... و ... دو ... پر ... بر ... از

٦	١	٨
٧	٥	٣
٢	٩	٤

و ... را که از خانه

چهارم ... برای ... محبت ... بر ...

و ... را که از خانه

٢	٧	٦
٩	٥	١
٤	٣	٨

ششم ... برای ... و دو کسی ... تحرید

و ... در ... در

را ... که ... از خانه

٦	٧	٢
١	٥	٩
٨	٣	٤

و ... آن ... و ...

را ... یکی از ... بدین طرز

... برای دفع دشمن ... بیمار ...

... در ... و ... و در ... از ... است و در تسخیر ... را

٢	٩	٤
٧	٥	٣
٦	١	٨

و ... و ... تسخیر ... کند ... از ...

... و ... اعداد ... یکصد ... مسطح کنند ... را

چهار ... از ... حصه ... در ... و ... خانه ها اضافه نموده تمام ...

و اسم ... یکصد و ... و ... یکصد ... از آن ... کردم تا شش صد و ... دو صد

... کردم حصه چهارم یکصد و ... و ... در خانه اول ... چهارصد ... در ... خانه تمام کردم

١٨٤	١٩٦	٢٨	١٥٦
٢٤	١٦٠	١٨٠	٢٠٠
١٦٤	٢١٦	١٩٦	٢٧
١٩٢	١٢٧	١٦٠	٢٠٣

... لکه ... محسن ... حسن ... که ... کند

... اعداد ... کنند ... است ... انی ... ها

... از

۶

پس اگر خواهیم که عدد و مدد نور را در مخمس بنویسیم نصف شصت از آن کم کرده ادم [illegible] تا شود شصت و پنج پس اسم اعظم حصه ملک آید

را آن نویسیم لفا از ادم یک را در خانه اول نویسیم که ایا [illegible] سطر [illegible] ۱ و دو در حران [illegible] ۳ و چهار در [illegible]

شش و پنج در وسط سطر بالا و [illegible] تحت قطر دوم در [illegible] قطر دوم دست [illegible] قطر اول [illegible] سیوم [illegible] از آن از عدد

بیدل مخمس [illegible] ۲۹ [illegible] که مقابل ضلع با ضلع قطر با قطر کردم [illegible] مقابل یک [illegible] و [illegible]

دو [illegible] مقابل [illegible] نوشتیم چون غرض [illegible] مثلث در میان [illegible] اعداد [illegible]

یک [illegible] کردم [illegible] عدد عمل ۲۶ ثم

وفق ۶۵

همچنان [illegible] اسم [illegible] که خواهیم در مخمس [illegible]

نویسیم اعداد [illegible] در مخمس [illegible] عدد [illegible]

[illegible] انست که [illegible] مخمس [illegible] اعداد [illegible] طرح کند و

در مخمس [illegible] در آن بیست و چهار [illegible] ۲۴ [illegible] مقصود کند

مخمس [illegible] وقت [illegible] اعداد [illegible] مخمس

که [illegible] مقصد [illegible] از آن طرح کردم [illegible] در مخمس [illegible]

۷	۲۲	۵	۹	۲۳
۰۶	۱۲	۱۱	۱۶	۲۰
۲۵	۱۷	۱۳	۹	۱
۲۴	۱۰	۱۵	۸	۲
۳	۴	۲۱	۱۸	۱۹

از آن [illegible] کردم [illegible] ۹۶ [illegible] [illegible] اول [illegible]

سو [illegible] و اگر [illegible] در مخمس و رفع [illegible] در خانه [illegible] در خانه [illegible]

[illegible] در خانه [illegible]

دا اگر [illegible] در خانه ششم [illegible] عمل [illegible]

مخصوص [illegible] از برای [illegible]

[illegible] نفع عظیم دارد و اگر خواهیم [illegible] دوستی [illegible]

۵۴	۶۹	۵۳	۵۵	۷۰
۵۳	۵۹	۵۹	۶۳	۶۷
۷۳	۶۸	۶۰	۵۶	۴۸
۷۱	۵۷	۶۲	۶۱	۴۹
۵۰	۵۱	۷۴	۶۵	۶۶

افکنند یا کسی [illegible] دیگر دشمن [illegible] باید [illegible] نقش مخمس را [illegible] مثلث [illegible] [illegible]

[illegible] در میان [illegible] نفع عظیم [illegible] اگر خواهیم [illegible]

بنویسد اول از یک عدد و یازده ده در ان نوشته تمام شود پس اگر اعداد مذکور را در این نگاه دارد فایده ان است که هیچ عدد از ان

طرح نیابد ششم بشش را بشش فرق کند ششم خانه یک اگر از ان عدد ده باقی ماند بدین طریقه نخست دو خانه بالا

دوم را بنویسد یعنی احد در خانه اول ضلع مذکور ثبت نماید و شش را در خانه سوم و شش را در خانه پنجم [illegible]

نماید در ضلع چنانکه طول [illegible] ثبت کند یعنی در خانه دوم ضلع دوم هم هفتم تا ده در خانه چهارم پنج عدد دو در خانه

ضلع مطهر هفت بعد از رقم کند دوم ضلع تحت که در صورت طول نویسد یعنی دو عدد در خانه چهارم و نه [illegible]

چون ضلع مذکور نگاه دارد در ضلع جانب [illegible] طول [illegible] بنویسد یعنی در خانه اخر چهار عدد بنویسد و در خانه

ده عدد یعنی در میان برکند ده خانه تا از اعداد مذکوره ثبت نماید که از عدد و عدد مسدس که شش و [illegible] که

در قطرها [illegible] ان بنویسد و از ان [illegible] بالا رسته که یک نگاه دارد دو از یک که در اعداد [illegible] از ان یک

که ساخته بالا رسته بنویسد و از [illegible] نموده هر ده نویسد و از ان [illegible] که در چهار ده نگاه دارد و [illegible]

بالا در چهار نویسد و از [illegible] که ساخته در [illegible] چهار رقم بالا و از [illegible] کرده بالا باز نویسد و از [illegible]

بالا در پنج نگاه دارد [illegible] و فقت [illegible] در نقش مسدس ثبت یافت [illegible] و از پس اگر [illegible] را نگاه دارد

عدل

۱۱۱

۳۲	۸	۳۵	۶	۲۸	۱
۳	۱۹	۲۱	۲۴	۱۱	۳۴
۲۷	۲۳	۱۳	[illegible]	۲۲	۱۰
۵	۱۳	۲۶	۱۹	۱۶	۳۳
۷	۲۰	۱۵	۱۴	۲۵	۳۰
۳۶	۲۹	۲	۳۱	۹	۴

در شرف افتاب در ساعت خود [illegible] در ارکان و اکابر [illegible] و اشراف

عزیز و مکرم باشد مجرب است

از کار زار و اعدا

پس بهر [illegible] و جامل [illegible] همین صحیح المزاج [illegible] است [illegible]

در لوح [illegible] این را مولف القلوب [illegible] باشد [illegible]

در فوق نگاشته تمام مطلوب [illegible] بر ظهر ان رقم زده [illegible]

غسل مطهر [illegible] کرده در جراغ اخضر [illegible] مطلوب [illegible] والله [illegible]

بسم [illegible] نقطه [illegible] بنده [illegible] در عددی که از ان رقم مسدس هیچ [illegible] واقع

در خانه سیم [illegible] بنویسد و اگر دو عدد کسر اید در خانه [illegible] افزود بکند و اگر [illegible] در خانه

نوزدهم [illegible] بنویسد و اگر چهار کسر اید در خانه سیم [illegible] و اگر پنج کسر اید در خانه [illegible]

عمل تمام گردد بدانکه اکثر در استعمال حروف ثلاثیه و رباعی و خماسی و سداسی آمده [illegible] اما در بیان [illegible] واحد

در بین عجاله ثبت کرده ایم [illegible] از آن [illegible] لازم [illegible] فالازم علی [illegible]

علم التکسیر ان یحفظها عن اصابة [illegible] الحمد لله علی الاتمام والصلوة [illegible] خیر الانام [illegible]

الکریم قد وقع الفراغ من النسخة الشریفة التکسیریة فی [illegible]

[illegible] محمد اکرم چلبی [illegible] [illegible] الآخر [illegible]

در بیان طالع [illegible] در فوات [illegible]

[illegible] در [illegible] نشسته و در اثنای [illegible] درویش [illegible] دارد [illegible] و در [illegible]

[illegible] باد [illegible] چهارپایه [illegible] خر [illegible] و لباس [illegible]

[illegible] و در اثنای [illegible] درویش [illegible] دارد [illegible]

[illegible] درخت باردار [illegible] [illegible] خرما [illegible] و لباس [illegible]

[illegible] که آب [illegible] و در اثنای [illegible]

[illegible] درویش [illegible] دارد [illegible] و در [illegible]

[illegible] و لباس [illegible] و در اثنای [illegible]

[illegible] درویش [illegible] دارد [illegible] تمام

[illegible]

قیع او بر فتح صبح مملکت مولا بو منده‌ها   بوال به قوس قزح نیر اکمال‌ها   ایهان اکا نهر ترکی بلی قربان بولن   فوج من تیر ... انده

سید تیر سیر سحر شب خط انوار باسیله   ارستا راولیما سیراب کوکیا   ارلر جنیر باک تیری تیره کار   باتور حورادن ... باتیپ

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی رسوله محمد و آله اجمعین بدانکه اعداد صغیر و کبیر را گویند باید دانست
که عدد بحساب ابجد جمله این است مثلا اسم بدوح که حرف با و دال و واو و حا است
و این جمله بیست عدد باشد و این عدد را عدد صغیر گویند و همین علم در القاب ها دارد
و شمار که در اسم بدوح چند حرف است و حروف بدوح چهار است و عدد این
چهار حرف بحساب ابجد جمله بیست و چهار را در بیست ضرب کردیم حاصل آمد ۸۰
و این ۸۰ را عدد کبیر گویند باز ۸۰ را در همان چهار هم ضرب کردیم حاصل آمد ۳۲۰ و این
۳۲۰ را عدد اکبر گویند و باز این جمله را در همان حرف ضرب کردیم حاصل آمد ۱۲۸۰
و این عدد را اکبار گویند و باز این عدد را در همان هم ضرب کردیم حاصل آمد ۵۱۲۰
این عدد را اکبار اکبر گویند و عدد صغیر اسم بدوح را که بیست است نصف کردیم
حاصل آمد ۱۰ و این عدد را اصغر گویند چون ۱۰ را نصف کردیم حاصل آمد ۵
این عدد را اصغار گویند و باز این را نصف کردیم ۳ بلا کسر و ۲ بالکسر
و چون نصف ناقص بود ترک کردیم و نصف کامل که ۳ بود نگاه داشتیم
این عدد را اصغر اصغار گویند و با عدد مذکور هر اسمی را که بخواهد بسازد دعوت

کند باشد برآید و بهر غرض که خواهد دعوت کند مقصود حاصل شود و کار برآید و اگر [illegible]

بیرون آورده بخوانند کار او بحسب روز برآید و چنین گویند که اسم خود را بحساب

جمل استخراج کند چنانچه یکی را اسم او جمال باشد عدد و مکسور ج م ا ل ۷۴ روز

برآید و مقصد بدست آید و اگر خود بخواند بحسب دعوت را و یابد تا او به [illegible]

بخواند و بزرگان گفته اند کاری که از عدد اصغر صغیر است به ۵۴ روز برآید از عدد صغیر

[illegible] روز برآید و کار دیگر از عدد صغیر به ۵۴ روز آید از عدد صغیر

به یک روز آید و کار دیگر از عدد صغیر به ۵۴ روز آید از عدد کبیر به یک روز آید

و کار دیگر از عدد کبیر به ۵۴ روز آید از عدد اکبر به یک روز برآید والله اعلم

بالصواب لوح عدد اول الاربعه چهار صد عدد است که این عدد را

در مربع این عدد که ثبت است نقش مولوح که عدد یا بر چارجه حرز بود

اول نسخه [illegible] در بیند هر که با او دشمنی شود مقهور گردد شکل این است

۵۵۴

۴۸	۱۵۴	۱۵۷	۴۱
۱۵۶	۴۲	۴۷	۱۵۵
۵۳	۱۵۹	۱۵۲	۴۶
۲۵۳	۵۴	۴۴	۱۵۱

لوح عدد دوم کبیر مربع است ۱۳۴۶ عدد را

هر که این را در مربع بمشک و زعفران

نوشته با خود دارد الهی علی [illegible]

دفع شود [illegible]

وفق ۶۰ ۳ لوح عدد دوم

لوح عدد سوم کبیر بمعه الکبر لسا بتر اسم بلدح

بجهار دو دولت هر که این عدد در

مربع نقش کند که موافق این عدد است بنو

۱۲۸	۵۵۴	۵۵[illegible]	۱۲۱
۵۵۶	۱۲۲	۱۲۷	۵۵۵
۱۲۳	۵۵۹	۵۵۲	۱۲۶
۵۵۳	۱۲۵	۱۲۴	۵۵۱

نوح عدد ۵ بنو لوح عدد

با خود دارد هر روز کار بکند بر آسب که از دنیا بر رحمن باشد دفع

لوح عدد سوم ۵۰ چهارم کبیر و صغیر که صد باشد بکند هر که این عدد را

نقش کند که موافق این عدد است در مربع

۲۸	۲۵۷۵	۲۵۷۸	۲۱
۲۵۷۶	۲۲	۲۷	۲۵۷۴
۲۳	۲۵۸۰	۲۵۷۱	۲۶
۲۵۷۴	۲۵	۲۴	۲۵۷۹

و با خود دارد علت سرخ باد و قسم

نو سر خود بر دماغ باشد بر طرف کند جمله علل

جمله مربع نحو نوکلی نو اسم لوح عدد لوح پنجم بکند که نو باشد هر که این عدد را

لوح عدد چهارم ۱۰۰ وفق در شکل مربع نوشته نقش کند که موافق این اعداد است

۱۸	۳۴	۳۷	۱۱
۳۶	۱۲	۱۷	۳۵
۱۳	۳۶	۳۲	۱۶
۳۳	۱۵	۱۴	۳۹

با خود دارد نود بار بخواند هر خود بد

هر جا که لوح روی باشد و روی باز کند

و اگر در بسته خود باشد گشاده شود

بروح یا اسم بنویسد که تمامی بدی مثل حلقه در کوی در نظر عزیز و محترم باشد

و دکارها را در دل انقطاع نویسد لوح عدد هم

وفق ۹۰

لوح عدد او اسم اکبر معه صفا بر

۱۸	۲۹	۳۲	۱۱
۳۱	۱۲	۱۷	۳۰
۱۳	۳۴	۲۷	۱۶
۲۸	۱۵	۱۴	۳۳

۸۵ هرکه اسم سبوح را بدین

عدد بخواند در پیش حاکم رود الله

حاکم حرمت بکند دارد که بسیار

دشمن قوی باشد بدین نوع این دشمن در آنجا چنین باید این اسم القدوس بعدد بخواند

دشمن هلاک شود و کارهای او بر آید و هر روز بخواند بدین عدد در هر نوع که باشد والله

دشمن شکست شود و تمام کارهای او بر آید است عدد لوح اسم اکبر هواله صفا بر شماره ۳

هرکه این اسم سلام را در باره چهار روز یاد

عدد لوح نقش وفق ۸۵

مستقیم نقشه نوشته بخواند دل او را روز

کند لوح بک هفته ۵ روز اکبر حاصل

۱۸	۲۶	۳۰	۱۱
۲۹	۱۲	۱۷	۲۷
۱۳	۳۲	۲۴	۱۶
۲۵	۱۵	۱۴	۳۱

که این اسم هر چیز که در دل خود بکند باو

مکشوف کند و اگر اعتبار یک بار بخواند ملالت از این اسم بعدد بدند کرد

بکند هر روز بخواند حاجت او روا شود مطلب او حاصل آید تا هر دوا کرد این

عدد را در هر نوع نوشته با خود دارد بقبول نظر جهان حاجت دهد آمین است

دفع

عدد لوح هم ١٨٣ است

٨	٣٥	٣٩	١
٣٨	٤	٧	٣٦
٣	٤١	[illegible]	٦
٣٤	٥	٤	٤٠

لوح عدد هشتم اگر ... بسیار ... [illegible]

هر که این اسم را ... [illegible] بخواند

دنیا ... [illegible]

صفت ... [illegible]

... موافق ... [illegible]

لوح هشتم ... ٥٤٤٥

عدد لوح ١٩ است ... ١٦٥٥

٤٨	٧٥٩	٧٥٧	٤١
٧٥٦	٤٣	٤٧	٧٥٥
٤٣	٧٥٩	٧٥٣	٤٦
٧٥٣	٤٥	٤٤	٧٥٨

٢٢٣	٢٢٩٤	٢٢٩٢	٢٢١
٢٢٩٦	٢٢٢	٢٢٣	٢٢٩٥
٢٢٣	٢٢٩٩	٢٢٩٣	٢٢٩
[illegible]	٢٢٥	٢٢٤	٢٢٩٨

عدد لوح نهم اگر ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

دعوت قصه لنر هر کیم حمل [illegible] مابد حساب [illegible] [illegible] لازمان [illegible]

عدد لوح ۳۴۰

عدد لوح نازدهم الربعیه الصغر [illegible]

۲۸	۱۴۴	۱۴۷	۲۱
۱۴۶	۲۲	۲۷	۱۴۵
۲۳	۱۴۹	۱۴۲	۲۶
۱۴۳	۲۵	۲۴	۱۴۸

هر کیم هر روز اوقویه الله لنر [illegible] دلوی [illegible] مربع یازوب [illegible] زده [illegible]

عدد لوح ۳۳۰ ... عدد لوح نازدهم

عدد لوح [illegible] الربعه الصغایر [illegible]

۲۸	۱۳۹	۱۴۲	۲۱
۱۴۱	۲۲	۲۷	۱۴۰
۲۳	۱۴۴	۱۳۷	۲۶
	۲۵	۲۴	۱۴۳

بهر [illegible] که اوقولی [illegible] حمل هر روز اوقوینه [illegible] دشمن دفع اولور [illegible] در مربع کند [illegible] حاجت [illegible]

عدد لوح دوازدهم ۳۲۵ ۱۳۸

عدد لوح سیزدهم الرحمن الصغایر [illegible]

۲۸	۱۳۶	۱۴۰	۲۱
۱۳۹	۲۲	۲۷	۱۳۷
۲۳	۱۴۲	۱۳۴	۲۶
۱۳۵	۲۵	۲۴	۱۴۱

[illegible] هر کیم اوقولر [illegible] دفع اولور هر حمل مربع [illegible]

عدد لوح چهاردهم ۱۴ [illegible]

عدد لوح سیزدهم

۲۹	۱۳۴	۱۳۸	۲۲
۱۳۷	۲۳	۲۸	۱۳۵
۲۴	۱۴۰	۱۳۲	۲۷
	۲۶	۲۵	۱۳۹

۱۳۳

۳۲۳

چهار [illegible] هر کیم حمل روز [illegible] اوقولر هر کیم [illegible] [illegible] عدد لوح چهاردهم

۴۰۰

۴۸	۱۵۴	۱۵۷	۴۱
۱۵۶	۴۲	۴۷	۱۵۵
۴۳	۱۵۹	۱۵۲	۴۶
	۴۵	۴۴	۱۵۸

۱۵۳

عدد لوح یازدهم صغر معه بر کره لرده سعادت اکر بر کیمسنه ... دارم ربع
... اوده ... لوحی اوننه خاصیت ... اسیدن

عدد لوح یازدهم — وفق ١٣٠

١٢٩	٥٢٤	٥٢٧	١٣١
٥٢٦	١٢٢	١٢٧	٥٢٥
١٢٣	٥٢٩	٥٢٢	١٢٦
٥٢٣	١٢٥	١٢٤	٥٢٨

عدد لوح شانزدهم ١٦ کبار معه اصغر تکرار ... اولور
اکر کیمسه ... روز متواتر بخواند ... ایسته بد
اکر در مربع ... عمل ...

عدد لوح شانزدهم ١٦ — وفق ١٢٩٠

١٤٦	٤٩٩	٥٠٢	١٤٣
٥٠١	١٤٢	١٤٧	٥٥٥
١٤٣	٥٠٤	٤٩٧	١٤٦
	١٤٥	١٤٤	٥٠٣

عدد لوح هفدهم کبار معه صغار تکرار ... سعادت ربع
... عدد بخوانند ... رده ...
... زبان ... در مربع ... عمل ...

عدد لوح هژدهم ١٨ کبار معه اصغر اصغر
تکرار دو صد و شصت ... سعادت ... بد
عدد ... بخوانند ... دفع شود
و اکر در مربع ... عمل شد

عدد لوح هفدهم ١٧ — ٤٩٤ وفق ١٢٨٥

	١٤٤	٤٩٨	١٤٩
١٤٦	٥٠١	١٤٣	٤٩٥
١٤٥	٤٩٣	١٤٨	٤٩٩
٥٠٠	١٤٧	٤٩٦	١٤٢

عدد لوح نوزدهم ... کبار معه اصغر ... ار
و ... صد و چهل ... بخوانند بزرکان
در ... ادا ... خدمت ... واله
و اکر ... روز در خلوت نشسته ... فعلی

لوح ... — وفق ١٢٨٣

٤٤	٥٩٥	٥٩٩	٤١
٥٩٨	٤٢	٤٧	٥٩٦
٤٣	٦٠١	٥٩٣	٤٦
	٤٥	٤٤	٦٠٠

بخواند دایم با وضو ... ٥٩٤ ... حلال ... و عیب ... هر روز ... بخواند

حرز اسم ... بنویسد عمل آله و اگر در مربع نوشته با خود دارد فایده بخشد

عدد لوح ... ۱۴ ... و فق ۵۱۴۰

۲۸	۲۵۴۴	۲۵۴۷	۲۲
۲۵۴۶	۲۲	۲۷	۲۵۴۵
۲۳	۷۰۱	۲۵۴۲	۲۶
	۲۵	۲۷	۷۰۰

عدد لوح سیم ... اگر کسی بر ... اصغر بنحر ... بهر

برای سبب لقمه بخورند اسباب دفع شود و اگر در مربع نوشته

در ... بنده صحت یابد است

عدد لوح سیم ۲۵۴۳ و فق ۵۱ ...

اگر کسی بر جمعه اصغر صغار بنحر ... بنویسد ... در ... باد

... در مدت ... جمعه بخواند ... مطلع ... باشد

... کند تا ... افتد ... در مربع

... نوشته ... باشد از طرف لوح است

۵۵	۲۵۱۲	۲۵۱۵	۴۸
۲۵۱۳	۴۹	۵۷	۲۵۱۰
۵۰	۲۵۱۷	۲۵۱۰	۵۳
	۵۲۰	۵۱	

۲۵۱۱ ۲۲ ۲۵۱۶

عدد لوح ... و فق ۵۱۲۳

عدد لوح سیم صورت ۳ عدد ا هر که بر روی ... بخواند

و با خود دارد ... کلفت ... بنویسد اگر ... در او ...

عدد لوح ... سیم ۵ ...

هان عمل کند این ا

۴۳	۲۵۱۵	۲۵۱۸	۴۱
۲۵۱۶	۴۲	۴۷	۲۵۱۷
۴۴	۲۵۲۰	۲۵۱۳	۴۶
	۴۵	۴۸	

۲۵۱۸ ۲۵۱۹

عدد لوح ... و ... صفحه

جمعه الصغار ...

هر که بر روز ... بخواند

۱۳

	۶	۱۱
۸	۱۰	۱۲
۹		۷

۱۴

جمعه ... بخواند ... و هر عملی که نوشته ... وخلق ... ا حد

کند و هر که ... دارد و دشمن ... مخالف ... عدد لوح ... است

عدد لوح ... ۲۵ ... جمعه اصغر الصغار ... ۲۳ ... هر که ... ۲۲

هر ... بخواند هر که ... دارد و دشمن ...

خراب ... اگر در مثلث در ... نفع ... این ا

۹	۴	
	۸	۶
۵		۷

۱۱ ۱۳

عدد لوح مربع سیم ٢٤٣ ٢٥

	٣	٩
٥	[illegible]	
٧		٤

عدد لوح مثلث بسم الله الرحمن الرحیم سوره الصافات بحجر از بهر کشاده و بسی عقده ١٥
هر که بر بیمار بخواند صحت یابد اگر بر وی نمی‌شود یا ... ابتدا در ربع
بیماری بر آتش نظر بسیده با شد بر بنده وجهت بالاد عدد لوح مربع بسم اصغر سوره الصافات

عدد لوح مربع سیم مربعهای مربع بسم ... ٢٦ وبعد ١٣ ٥

باید عدد ١ هر که بعد از بیمار صبح لعوذ آن [illegible] ایذ
شکر مثلث
وبرهان بیمار بخوانی تعالی بخواند و اله و اکبر
الی
در ازدکه باخمد اله که ابد اله بسم الله ثابت دارد
مثلث

٤٨	٢٥١٦	٢٥٢٠	٤١٤
٢٥١٩	٤٣	٤٧	٢٥
٤٣	٢٥١٣	٢٥١٤	٤٦
	٤٥	٤٤	٢٥٢١

٢٥١٥

ومعدوی منصور گردد واین را مقصدها مثبت الرد اسم الهها و بسم الله آخر طویات لطف صلع ملک
ثبت بر اتحه حاواذ الف باید چون حت خالب جمع کند جهان بح نگاه کشم الله
خواند
بفعل ما بهما حب دبوی نوشته اند که اسم بدیع نقل بعضی ٣ اسم بار معانی الب
وتکب بار بست ١ اسم تمام است فتح مثلث بعضی گر بند ازین ٣ ماخود ا بسب وماب
اصل جمال فتح مثلث وانی را مقصد حاصل صفت ثبت ا امر با ایات بدلفت
ومثلث لفوایت وبعد عدد لوح مثلث صغر سبعه اصغر صغیر اسرار ١ بت ٢٧

	١	٨
	٥	٣
٣		٤

هر که بدین عدد بخواند و برد ... ٥ دمیدن از روز قواره
روی او نبود تا عذار از بشر بیش مال گرد تحمل حمد اند اکبر الحمد الاعلی بعد محمد مبارک ثبت
گردد

بسم الله الرحمن الرحيم عمل ... عدد لوح مثلث ... صغار ٢٨

هر که بخواند و بر خود ... سح ... تا ... روز ...

اگر بخواند و ... زند تا ... از ...

ساعت سح ... هر که در مربع در ... ناخوش ...

عدد لوح مثلث ... اگر ... بر ... مقصود و ...

هر که ... دهان ... بخواند ... تا طلبیده ...

هر که ... مربع ... بخواند و ...

... بابان بخواند در ...

هر جمع ... در حله دوم ... الف ... در حله ...

الهام ... در حله ... الدعوات ... در حله ... سبز و ...

... اگر ... زبان ... اگر ... در حله ... خارق عادات

بهم رساند ... ان ... مقامات ... و کشف

ارواح ... مربع ... ناخوش ... عدد لوح ... و اگر ... بخواند ...

و ... که ... بخواند ... اگر در ... ناخوش

والله ... فایده ... ٥٥٢

بدیع ... و ...

٥	٣	۵
	٢	۵
٢		٣

همی عمل ... ا

عدد لوح مربع ... ٢٨

	٠	١١	١
١٠	٣	٧	٥
٣	١٣	٦	٦
	٩	٢	١٤

٣٠١	٣٧٤٢	٣٧٤٧	٤١
٣٧١٧	٤٢	٤٧	٣٧١٥
٤٣	٣٧١٩	٣٧١٢	٤٦
	٤٥	٤٤	

٣٧٤٣ ٣٧١٨

٤٢	٧٩٢	٧٩٤	٤١
٧٩٦	٤٣	٤٧	٧٩٥
٤٣	٧٩٩	٧٩٢	٤٦
	٤٥	٤٤	

٧٩٣ ٧٩٦

عدد لوح سی و یکم اگر معه الصغر حاجت بود ایست هر که در تحریر این لوح بکار نکند

کار معظم را از آن مرتب بکند نالعداد او مستعمل بود مربع جمع علم هیچ عمل نکند را

مربع سی و یکم ۲۰۹

۲۸	۱۸۸	۱۸۷	۲۱
۱۵۶	۲۳	۲۷	۱۸۵
۲۳		۱۸۲	۲۶
۱۸۳	۲۵	۲۴	۱۸۱

عدد لوح سی و دوم بکر دا کر معه الصغر چهار صد

بیست ۱ هر که با این عدد تخلف از غرض کلی

لد اللطف اگر در مربع او الف هیچ علمی نکند

مربع سی و دوم ۲۳۲ بایدکه باقص نکند مربع ۱

بیست هر که با این عدد معه الصغر چهار صد و ده ۱۵۹

نخواند حجه شکل با قلم که نخواهد

بیاید و مربع آن هیچ علمت نکند مربع ۲۳۲

مربع سی و سوم ۲۰۹

۲۰	۱۸۴	۱۸۹	۱۳
۱۸۷	۱۴	۱۹	۱۸۵
۱۵۵	۱۹۰	۱۸۲	۱۸
	۱۷	۱۶	

۱۹۹ ۱۸۳

معه اصغر

۲۱۰

۸	۱۹۹	۲۲۰	۱
۲۰۱	۳	۷	۲۰۰
۳	۲۰۴	۱۹۷	۶
	۵	۴	

۱۹۸ ۲۰۳

عدد لوح سی و چهارم بکر دا کر معه اصغر

چهار صد عدد ۱ بیست

هر که با این عدد نخواند او سلاح غلبت

نشود دشمن را هلاک و مربع او بغیر با هیچ علمی این است مربع سی و چهارم

عدد لوح سی و پنجم اگر کتابت معه الکبر کتابت بیش از هزار

مقصد و بیست ۱ هر که با این عدد نخواند

۲۰۳

۱۸۸	۱۸۴	۱۸۹	۲
۱۵۸	۱۳	۱۸	۱۸۵
۱۴	۱۹۰	۱۸۲	۱۷
	۱۶	۱۵	

۱۸۱ ۱۸۴

دیو پری دفع شود از نیت غایب تحلیل زود یحیی و مسکند بیاید و در مربع همین عمل
عدد مربع وجم ا ٣٥ مثلث وتعمیر
٦٧٢٠

عدد لوح و جم کبیر معه کبیر الصغیر بکرا ۳۶
سعد و هشتاد ثلث هر که با بنت نقلی بخواند
اگر در دل او فتنه باشد دور شود هر که اسم ایم
در مربع در آدالقه نقش که از عدد مخصوص تدارک

٢٨	[illegible]	[illegible]	٢١
[illegible]	٢٣	٢٧	
٢٣	[illegible]	[illegible]	٢٦
[illegible]	٢٥	٢٤	

٣٤٣٣ ٣٤٣٢١٠

قلم لیست در زود لکان بکان تا حیل روزهمان عمل کند ١٦١٠ از عدد
عدد لوح و جم ٣٦ و تعمیر ١٣٨٠
بلوح سعیم اکبر و کبا بر معه اصغر بکرار سعد و در ١٥٦٦
هر که با بنت نقلی موا ظبت نماید کار او بسته
گشته کشود هر هر که بخواند از آن کار او آید
در مربع نیز همان عمل کند است

١٢٨	٥٦٤	٥٦٤	١٢١
٥٤٤	١٢٢	١٢٧	٥٦٥
١٢٣	٥٩٩	٥٦٢	١٢٦
		١٢٤	

٥٣ ١٢٩ ٥٧٣ ٥٦٨

عدد لوح سبع و مثمن اگر کبیر بر سعه الصغایر
عدد لوح ربع وجم ١٦١٠
بکرار سعد و هشت هر که بخواند با او
روز بخواند با نیت حرمت حب
حاضر شود محبت دلو هر که در مربع کهف
اگر در مربع کسیر در کلوی سید

١٩	٧٨٨	٧٩١	١٢
٧٩٠	١٣٠	١٨	٧٨٩
١٤	٧٩٣	٧٨٦	١٧
	١٦	١٥	

٧٩٣

٧٨٧

سعد و به شود امنست عدد لوح وجم ٣٠٨ و وقف ١٦٠٥

۳۰۹

عدد لوح وهم اگر ولد کبا بر معه اصغر

صغار بر هزار ... عدد ۱

گر که هر روز بخوانند از غم ... شود ... مرتفع

عدد لوح وهم ۱۰۰۵

۹	۸۰۴	۸۱۹	۳
	۱۳	۱۸	۸۶
۱۷	۹۱	۸۳	۱۶
	۱۶	۱۵	۹۰

نیز همین عمل کند بهشت عدد لوح ... کبار و از کب بر معه اصغر

عدد لوح وهم ۳۰۹ — ۱۶۰۳ — است از که هشت ... عدد ۱ ... هزار و چهار صد ...

روز متواتر بخوانند جمیع خلق ... و از ... و طور

مسخر شوند و اگر کسی را عدو قوی باشد ...

گفته ... عمل بخوانند ... در

... کند ... در ...

۲۸	۸۵	۹۹	۲۱
۸۸	۲۰	۷۲	۸۶
۲۳	۹۱	۸۳	۲۶
	۳۵	۲۴	۹۰

۸۴

بگوید چنانچه این را در ... اسم ... فی الحال ... از جهان ... در ...

دل ... تا ... اند اگر خواسته باشد که عدد ... علم بخوانند یا در

شکل ... سعد ... وا ... علی ...

[illegible]	[illegible]	[illegible]	الله
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

۱۹۱۰

عدد لوح حمل و یکم کتابت و اگر کتابت بر مربعه اصغر بس هزار و چهار صد و ده است روز که مدت
این کار معمول نشود در زمان سنه اول دانگ و اعدا او مقهور شوند اگر در مربع در آب اوله
با خود دارد و بر دفع شود اگر در گلوی است سبب زن باشد و صحت باید عدد لوح حمل و یکم
ونقه انشا

عدد لوح حمل دوم کتابت و اگر کتابت بر مربعه الصغار بر
و چهار صد سی عدد است که بخوانند و لوح حمل شود
شود اجل بر روی اولو سدا هم او مانی اصلاح
تسبیح احتج او دو شود چهار کعب نفس

۶۱۸۱۰

٢٨	٣١٧٩	٣١٨٢	٢١
٣١٨١	٢٢	٢٧	٢٤
٢٣	٣١٨٤	٣١٧٧	٢٦
	٢٥	٢٤	٣١٨٣

٣١٧٨

... باید روز که ده کعه اگر در مربع لوح در آب اوله با خود دارد یمن لوح در مربع

عدد لوح حمل و معظم وسیم کتابت و اگر کتابت بر مربعه
حمل دوم انشا ونقه ۶۱۸۰۵
الصغر الصغار بس هزار و چهار صد
عدد است که بخواند حاصل شود اگر
شر روز در آب بخواند بر طرف لوح در مربع
علی لوح دیگر عدد لوح ۱.۳۰۲

١٩	٣١٨٥	٣١٨٩	١٢
٣١٨٨	١٣	١٨٠	٣١٨٦
١٨	٣١٩١	٣١٨٣	١٧
	١٦	١٥	٣١٩٠

٣١٨٤

٣١٩٠

عدد لوح حمل و چهارم اگر کتابت و اصغر مربعه الصغ
هزار یکصد و بیست عدد است که بخوانند
با تسبیح

١٩	٣١٨٧	٣١٨٨	١٢
٣١٨٦	١٣	١٠٩	٣١٨٥
١٧	٣١٩٠	٣١٨٢	١٧
	٩	١٥	٣١٨٩

٣١٩٦

بیح زهیر روی نماید اگر کسی دیو لک رو آلاو باید که باین شست [illegible] این اسم رد

اند دیو از آنجا دور شود وخر علو او همین عمل کند [illegible] و مخمس اگر ساز

عدد لوح حمل [illegible] ٥١٥٠ دفعه

وصغیر جوه الصغایر بحر ارکلقد حماک ح ا

٨٣	٢٤٩٥	١٤٩٨	٧٥٠
٢٤٩٧	٧٦	٨١	٢٤٩٦
٧٧	٢٥٠٠	٢٤٩٣	٨٠
	٧٩	٧٨	٢٤٩٩

٢٤٩٤

هر که حمل [illegible] بخواند [illegible] و مربع او همین

عمل کند عدد لوح حمل و مسخم اگر کبار [illegible] صغر

صغایر بحر ارکلقد حماک [illegible] عدد ا [illegible] هر که

عمل [illegible] در خلوت نشیند و بخواند [illegible] اگر کسی

عدد لوح حمل مسخم ٥١٤٥ دفعه

٧٩	٢٤٩٥	٢٤٩٨	٧٢
	٧٣	٧٨	٢٤٩٦
٧٤	٢٥٠١	٢٤٩٣	٧٧
	٧٦	٧٥	

٢٤٩٤ ٢٥٠٠

گفته باید که اگر حمل [illegible] و مربع [illegible]

٢٤٩١ تابع است عدد لوح حمل [illegible] صعر العز

معه الصغایر [illegible] عدد [illegible] هر که [illegible]

عدد بر هر که بخواند [illegible] اندر [illegible] است

عدد لوح حمل [illegible] ٥١٤٣ دفعه

مثلث [illegible] ا ٣٥ دفعه

٤٩	٢٥٢٤	٢٥٢١	[illegible]
٢٥٢٧	٤٣	٤٨	٢٥٢٥
٤٤	٢٥٢٣	٢٥٢٢	٤٧
	٤٦	٤٥	٢٥٢٩

٢٥٣٢ ٢٥٢٩

٣٥		٧	١٥
١٣		١٢	
		٩	١١

٩ ١٦

عدد لوح حمل ۹۸ بسم صفر واصغر معه اصغر الصغایر درست ۳۳ عدد ۱ هر که بابت علم کلد

هیچ بلا رکیدلا ایکی کره نفث در آوازه با خود داله الکبیر نویسد عدد لوح ۴۹ حمل دهم

عدد لوح حوت ۵ دهم ۳۳ کبر و کتابت معه اصغر صغایر نیش را انجام صد و پنجاه

و بسته عدد ۱ ست اکو حصار روز بابی عدد بخواند مطلع

هر خبر که از دو دوری بابت از ادراه سر ۱ اگر عدد مربع دار که یا

داله الهمی عمل کند عدد لوح ۴ هم کبر واکرن جمیع الصغیر

١٣	١١	
		١٠

١٢ ١٤ ٩ ٨ ١٥

عدد لوح حمل نهم ۹ ده ۶۴۸۲

بسم اور و خصه دول عدد ۱ حوا آفات دور جهار

آید یا در هران آید هر روز یا عدد ای کرامسم ۱

بخواند هر شب که دالد کرد و حبس لفظ کیف

اگر مربع در ادیعه با حمد داله هیچ بلائی کرکی قار کرد

عدد لوح ۵ دهم و اگر ولکن کتابت معه اصغر بحر را

٥١	٣١٩٢	٣١٩٦	٤٤
٣١٩٥	٤٥	٥٠	٣١٩٣
٤٩	٣١٨٨	٣١٩٠	٥٤
	٤٨	٤٧	٣١٩٤

٣١٩١ ٥٢

عدد لوح ۴ ده ۶۳۲۰

حما صد و بیست و عدد ۱ هر که حمل روز در

خلوت نشسته بخواند بعد هلالی بخواند هنال

در خلوت او حاضر آید و لذا دیو آ

سر بی دو شنبه بخواند او ملک کفار

در مربع لوح شده در ارلو بخواند و عمل کند

٤٨	٢٥٦٤	٢٥٦٧	٤١
٢٥٦٦	٤٢	٤٧	٢٥٦٥
٤٣	٢٥٦٩	٢٥٦٢	٤٦
	٤٥	٤٤	٢٥٦١

٢٥٦٣

عدد لوح

۱۶

عدد لوح نجاه و یکم دوره
۹۴۵۰

۱۸	۲۷۹	۲۷۱۲	۱۱
۲۷۱۱	۱۳	۱۷	۲۷۱۰
۱۳	۲۷۱۴	۲۷۷	۱۶
	۱۵	۱۴	۲۷۱۳

۲۷۸

۵۲

عدد لوح نجاه و دوم دوره
۱۶۸۵

۲۴۹	۵۹۵	۵۹۹	۲۴۲
۵۹۸	۲۴۳	۲۴۸	۵۹۶
۲۴۴	۶۵۱	۵۹۳	۲۴۷
	۲۴۶	۲۴۵	۶۰۰

۵۳

عدد لوح نجاه و سیم دوره
۱۶۸۳

۲۴۹	۵۹۴	۵۹۸	۲۴۲
۵۹۷	۲۴۳	۲۴۸	۵۹۵
۲۴۴	۶۰۰	۵۹۲	۲۴۷
	۲۴۶	۲۴۵	۵۹۹

۵۴

عدد لوح نجاه و چهارم دوره
۶۷۴

۱۷۸	۳۱۹۴	۳۱۹۵	۱۷۱
۳۱۹۶	۱۷۴	۱۷۲	۳۱۹۵
۱۷۳	۳۱۹۹	۳۱۹۵	۱۷۶
	۱۷۵	۱۷۷	۳۱۹۸

۵۲

عدد لوح نجاه و دوم اگر بار کن برسوره الصافات بتکرار
ششصد و پنجاه و پنج عدد از خلوت با حلیه متواتر
هر روز بخواند و افطار از وجه حلال کند بحق در صحبت
او حاضر آید اگر در مربع در آن عمل با [illegible] داد لوح
نقش با ورق شد عدد لوح نجاه و سیم ببیست و اگر کبایر
سوره الصعود الصافات بتکرار ششصد و پنجاه و سه عدد
[illegible] اگر به جمله از خلوت ترک اکل ملح
بخواند مرتبه اعلی کشف جهان مسخر او شود و محتاج
نشود و منجی الدعوات گردد مربع او نقش
۵۹۴
عدد لوح نجاه و چهارم اگر برسوره الصغر [illegible]
هر مقصود و حل مشکلات [illegible] فتوح بخواند
دکانها بسته [illegible] بدو اعدا مقهور شوند اگر در
مربع در آن عمل با حصر دارد و باقی [illegible] عدد لوح نجاه و پنجم
۵۹۳ اگر کبایر و کبایر اگر سوره الصغر بتکرار
هفتصد [illegible] اگر هفت جمله متواتر
بخواند و افطار از وجه حلال کند [illegible]

محبت بسیار در عالم تو پیدا گردد که هر که ... در عمل ... و اگر در مربع در آن ...

تا خود دارد ... که عدداش را مقصد حاصل شود ... و دیگر ...

عدد لوح ستاه پنجم ٥٥ دوم

٣٤٤٢

١٩٤	٣١٧٣	٣١٧٦	١٨٧
٣١٧٥	١٨٦	١٩٣	٣١٧٤
١٨٩	٣١٧٢	٣١٧١	١٩٢
	١٩١	١٩٠	

٣١٧٢ ٣١٧٧

عدد لوح ستاه ششم ٥٦ اگر کسی ... اکبر سوره الصافات

شش هزار بار مقصد ... شب ... هر که

تا ... هفت بار ... داخل

درود خوانده بخواند ... شب

تا ... اگر در مربع در اوله ...

ابتدا ... گوید که ... دشمن دفع ...

عدد لوح ستاه ششم ٥٦ دوم ٦٧٢٥

١٧٩	٣١٨٥	٣١٨٩	١٧٢
[illegible]	١٧٣	١٧٨	٣١٨١
١٧٤	٣١٩١	٣١٨٣	١٧٧
	١٧٦	١٧٥	٣١٩٠

٣١٨٤

عدد لوح ستاه هفتم ٥٧ اگر کسی ... سوره اصغر الصد

شش هزار بار مقصد ... عدد ١٩٢

هر شب جمعه ... بخواند ...

تا ... محبت ...

اگر در مربع در آن ... دارد ...

عدد لوح ستاه هشتم ٥٧ دوم ٦٧٢٣

عدد لوح ستاه ششم ٥٦ ... اگر کسی ...

و ... سوره اصغر ... عدد ١٩١

هر که ... روز ...

١٧٩	٣١٨٥	٣١٨٩	١٧٢
٣١٨٨	١٧٣	١٧٨	٣١٨٦
١٧٤	٣١٩١	٣١٨٣	١٧٧
	١٧٦	١٧٥	٣١٨٢

٣١٨٤ ٣١٩٠

در دنیا ... در مربع در اوله

دوم ...

بند بین عمل و بدهد و لوح ۵ و ششم عدد لوح بجاه بهم کبایر و اکبر کبایر مجموعه اصغر الصغایر ۵۱ ۵۹

و بیست و سه ۲۳

شش برابر چهار صد شصت عدد دارد اگر اسم

بدرج بدست عدد بخواند بر آن سبیل در جنتی که داده باشد

دفع شود هر علتی که در تن او باشد نماند اگر

دارد محال شد

این عدد در شکل مربع در آورده ۴ خانه بس

۲۳	۳۱۸۴	۳۱۸۵	۲۰
۳۱۸۷	۲۷	۳۲	۳۱۸
۲۸	۳۱۸۹	۳۱۸۲	۳۰
	۲۴	۲۹	۳۱۸۸

۳۱۸۳

ثبت تا برد

و کیفیت در کتاب مجموع بها

و شرح این اسم یک یک بنفشه در احادیث یکان لمعه اند

تا کتاب در از لمعه که بشرح

تا اهل منقد بیا ران اینجا در کند اشتم و مختصر کنم

خیر الکلام ما قل و دل هر که اسم دیگر بیاد آکاهند و لمعه مهزون باد و له حیا که آن شد

نمونه آمد در شکل مربع در آورده تقدیر دارد و بتفصیل جمیع کل حاجات شود لیک سخ مهمیده

تا معلوم شود این عمل از جمله یک یک صفت کرد از

تا علم نقصهری نفس مجموعه اربعا باب

محض ماند و الله اعلم بالصواب

ا صغر ۱ صغیر ۲ کبیر ۳

۱۰ ۲۰ ۸۰

اصغر صغایر کبایر ۶ صغایر ۵ اکبر الکبایر ۵ الکبیر ۴

۱۲۶۰ ۳ ۵۱۲۰ ۳۲۰

اگر خواهم که دعوت شروع کند تا الطول کو رابد کتیبه مربع کند مثلاً عدد صغیر بدرج

[illegible] چند [illegible] ٣ و صغایر و اصغر ده است

جذر [illegible] ٢٤٨٠ [illegible] حاصل ضرب [illegible] اکبر [illegible] و

زکوة [illegible] ١٥٢ [illegible] نصاب ١٢٠ [illegible] ٥٦٥ ٢ [illegible]

[illegible] تمام [illegible] ٣٢٥ [illegible] ١٢١٥ [illegible]

یا این [illegible] مقصود که [illegible] اسم باشد [illegible]

[illegible] زکوة [illegible] ٢ [illegible]

[illegible] است [illegible] حق [illegible]

[illegible] والله اعلم بالصواب

16

ترکیب دیگر

زر بلکوله نقره چاندی بلکوله در کهریه گل انداخته در سوها که ترکیبه بکر داده اند
بکر دو مثقال نشتح قطره رس کونبعی یا سبهالو باندازد و وقتی که سرد شود کرده بار بحیس
کرده بار در کهریه باندازد رس مذکور انداخته بطور ۳ مرتبه کند نقره شود مجرب
بیار د و تلسیح اینطور بعد و یک بار و یا ثلث دو بار در روغن کچیه سرد کند و زر قابل
در بیک لاهوری ماهی قدر سرد نماید ۶ رتبه اول قدر رتبه دوم و یک ماشه چاندی ریخته
گل انداخته از سوها که بکر داده اند و لکار ریزه بیار و یک بل فتیح بوده که بحط نلک
در ابتت مغیلان خوب گرم کند تا وقتیکه سرخ شود در شیره لاک آب که هر یک
سرد کند تا که ورق ورق شده بغد بوده از شیره مذکور برآورده یکماشه ریکی
و یک ماشه نقره چاندی و یک ماشه طلا ۳ ماشه را بکر داند خالص از اندهی
کشته بلکوله بکر و خوب سائیده لکا هدالعجار د شهد سوهاگه موم گاو
۳ ماشه ۳ ماشه ۳ ماشه
و پس مذکوره چهار را یکجا که غلوله بسته لکا هدالعو و بلکوله نقره چاندی گرم کند دفعه
موم کافوری بکر دو چهار را ازین گرم باهدالعو لکا ریکجا سالیم سنکلهها
برکاله او اندکی نهاده در آتش نهند بالای او شیر رقوم ...

وقتی که سنبل مذکور لاده شود سائیده در بوته گل حکمت ادویسی ویرده لا

عرق ... سنبل فار ... در اکهال ابداجه حل نابدتا وقتی که عرق ... در حواله

عرق ... کجینه کوبل

... ایده در سنبت مس از گل حکمت سکره درده اتبار محکه ارینه کنده آتش ویرده کار

سماب کافوری بغیده در یک باجیک ... در ... کرده ... کافوری بالاو

۱ حصه ۲ حصه

باتمیں کرده درمیان او سماب ابداخته ... باجک مهره آتش ... درده اتار

باجک دستی آتش ویرده

شمار عمر حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم

عمر
سج
۶۳ سال

بعثت
کج
۲۳ سال

اقامت مکه معظمه
یج
۱۳ سال

اقامت مدینه منوره
[illegible]
۱۰ سال

